

187

79



1871

79

بعون احد الملوك المنان چون درين
 آوان فراغت تو امان اين رساله
 مالا بدست که فرض عين فارسی و ترک
 و نیت نماز عربی و مجموع اعظم
 و قواعد ميرزا اهد منظوم و غير آن
 بسعی و اهتمام محمدناصح محذوم بن جناب
 و اطلاق علی محمد آخوند در شهر تاشکند
 در مطبع کیمین اسکی مطبوع و مقبول گردید

دهری بلار مع و عالم
 بلا قلب و متکلم باللسان
 و بصیر بلا عین و سمیع
 بلا اذن و قادر بلا اله
 کس کشته شی و لایحوز
 الزوال و لایحز و الفناء
 علی ذاته تعالی و لایحیج
 الی مکان و زمان جهت
 بلکه فی الحقیق ۱۲ بجای
 المسمات
 بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب
 العالمین یعنی حمد ثابت بولسون
 خداى تعالی غنظفی بولدور که منته
 در حد در هر ترتیب قیود و حیدر
 و کماله نیکو رفیقید و در العاقبت
 للمتقین یعنی آخرت بر سبب نماز و عبادت
 و صلوة و سلام علی رسول محمد و آل
 و صحابه جمعین یعنی دعا و رحمت نازل
 بولسون رسول خدا که نام شریف
 لاری محمد علیه السلام ابر در لار

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ باعد من شیطان الرجیم یعنی پناه میطلبم من بسوی
 اعد تعالی از شر شیطان صفت شیطان نیست که
 رجیم است یعنی رانده کرده شده است از درگاه الهی
 الرحمن الرحیم یعنی است میگویم من بنام معبود حقی که
 بخشنده و بخشاینده است بر همه خلق الحمد لله رب
 العالمین حمد ثابت است مراد از تعالی را که رب
 عالمیان است یعنی مربی و تربیت کننده عالمیاست
 و العاقبة للمتقین عاقبت یعنی نیکوی آخرت مرمتقیان است
 و صلوة و سلام علی رسول محمد و آل و صحابه جمعین صلوة
 یعنی دعا و درود و سلام یعنی رحمت نازل باد بر رسول خدا که

۲
 بعد از آنکه سلام دادند و در آن وقت که
 و جواب سلام عرض گفتند که
 این است که فلان نفر سلام کند
 شکر می آید و سلام کند
 سوره مر سوره سلام کند
 مغان سلام کند و نیکو نفس و نیکو
 سلام کند و اگر نعمت دست
 سلام بود سلام راوی کند

و تفریح جمیع آل و اصحاب
 بوسون لاله الا الله
 محمد رسول الله یعنی الله
 تعالی دین او را که هیچ
 معبود یوقور محمد علیه
 انبیا رسولی دور از
 و اشهد ان لا اله الا الله
 و رسول الله محمد است
 و اشهد ان لا اله الا الله
 و رسول الله محمد است

نام شرفی ایشان محمد است و بر آل ایشان بر حجاب
 و بزمج ایشان لا اله الا الله محمد رسول الله نه خدایی
 مگر یک خدا محمد رسول خدا یعنی فرستاده شده
 خدا بسوی خلق از برای رسانیدن حکام شریعت
 اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسوله
 که او ای میسر هم من اینکه نه خدائی مگر یک خدا
 و که او ای میسر هم من اینکه محمد بنده خدا و فرستاده
 شده خداست آمنت باشد و ملائکته و کتبه و رسوله
 و ایوم الآخر و القدر خیره و شیره من الله و البعث بعد
 الهوت یعنی ایمان آوردن من بجنای عزوجل و شکرها
 وی و بکتبهای وی و برسولان وی و بر روز قیامت
 و با آنچه تقدیر میکنی و بدی همه از خداست عزوجل زنده
 گردانیدن بعد از میرانیدن حق است راست است

بپوشیدن کتبه خود
 معبود یوقور محمد علیه
 انبیا رسولی دور از
 و اشهد ان لا اله الا الله
 و رسول الله محمد است
 و اشهد ان لا اله الا الله
 و رسول الله محمد است
 و اشهد ان لا اله الا الله
 و رسول الله محمد است

س

خداوندین دور و اینک او که ان دین
 سونک هتیر که زمانی حق در است
 تمام ان ایمان باشد تعالی بانه چه
 و الا ایمان با رسول بانه معبود من
 الله تعالی صادق و صادق با چه
 با ملائکته با نعم عباد و ملائکته
 لم یضون لانه تصفون بانه کتبه و ملائکته
 لیسوا بانته تصفون بانه کتبه و ملائکته
 الا ایمان بکتبه و ملائکته
 من الله صدق و ملائکته

من الله صدق و ملائکته
 الا ایمان بکتبه و ملائکته
 من الله صدق و ملائکته
 الا ایمان بکتبه و ملائکته
 من الله صدق و ملائکته
 الا ایمان بکتبه و ملائکته
 من الله صدق و ملائکته
 الا ایمان بکتبه و ملائکته

فعل بعد از این است
 و حکایت از این است
 و گفته اند که این
 و ما را از این است
 و ما را از این است
 یعنی ایمان را
 بود که این است
 منقاد از این است
 این است از این
 این است از این

یفعل همیشه و حکیم مایرید و مختصره ان یقول ما امرنی الله
 تعالی به قبله و ما نهانی عنه انتهیت عنه مختصر ایمان اینک
 کوید بنده آنچه که هر کرده است مرا الله تعالی همین چیز
 قبول کرده من اورا آنچه نیکه می کردست مرا الله
 تعالی از همین چیز باز ایستادم من از همین چیز فدا
 و کلبه و اقر بلبش کان ایمانه صحیح و کان مؤمننا بالکل
 بس هر وقت که اعتقاد کند بنده همین مذکورات را
 بدش و اقرار کند بربانیش باشد ایمان همین بنده صحیح
 و باشد مومن کامل فصول عمادی من نفسه چهار نوع
 استنجی فرض است اول استنجای جنب و دوم استنجای
 زنیکه از حیض پاک شود سوم استنجای زنیکه از نفاس
 پاک شود چهارم نجاستیکه زیاده باشد از قدر دریم
 شرعی و در طهارت چهار فرض است اول شستن و

و کلبه و اقر بلبش کان ایمانه صحیح و کان مؤمننا بالکل
 بس هر وقت که اعتقاد کند بنده همین مذکورات را
 بدش و اقرار کند بربانیش باشد ایمان همین بنده صحیح
 و باشد مومن کامل فصول عمادی من نفسه چهار نوع
 استنجی فرض است اول استنجای جنب و دوم استنجای
 زنیکه از حیض پاک شود سوم استنجای زنیکه از نفاس
 پاک شود چهارم نجاستیکه زیاده باشد از قدر دریم
 شرعی و در طهارت چهار فرض است اول شستن و

ع

دو کتفه زینا روغنی ملاء کتفه
 ملاء خورار اوله
 کتفه زینا روغنی ملاء کتفه
 کتفه زینا روغنی ملاء کتفه

روی از محل بر آمدن موی پشمانی تا زیر قوس
 ازین زمره گوش تا باین زمره گوش دو شستن دست
 مع آنچ سوم مسح کشیدن چهار یک سر چهارم
 شستن دوپای مع بکل و غسل سه فرض است
 اول شستن دهان دوم شستن بینی سوم شستن
 تمام اعضا سباب فرضیت غسل نجس سبب
 اول ملاقات کردن دو وقت سبب دوم بر آمدن
 منی بدقی شهوت سبب سوم اجلام سبب
 چهارم منقطع شدن حیض سبب پنجم منقطع شدن
 نفاس و در تیسیم چهار فرض است اول نیت دوم
 قصد خاک پاک سوم یک ضرب از برای مسح کشیدن
 روی چهارم یک ضرب برای مسح کشیدن دست
 مع آنچ و در تیسیم جنب نیت طهارت کفایه

توضیح
 اینست که در غسل
 وضو اول آنکه دستها را بشوید
 زودتر از آنکه بقیه بدن را بشوید
 و در مسح آنکه اول آنکه دستها را مسح کنید
 و بعد از آن بقیه بدن را مسح کنید
 و در شستن دهان آنکه اول آنکه دهان را بشوید
 و بعد از آن بقیه بدن را بشوید
 و در شستن بینی آنکه اول آنکه بینی را بشوید
 و بعد از آن بقیه بدن را بشوید
 و در شستن دستها آنکه اول آنکه دستها را بشوید
 و بعد از آن بقیه بدن را بشوید

نیت بر وجه اوله
 احتیاطی نیت بر خاندنی
 منقطع شدن حیض
 نیت بر وجه اوله
 احتیاطی نیت بر خاندنی
 منقطع شدن حیض
 نیت بر وجه اوله
 احتیاطی نیت بر خاندنی
 منقطع شدن حیض

طهارت کتفه زینا روغنی
 کفایه قیلوا کتفه زینا روغنی
 او بشو و علیها الفوی
 و در ایام دهه هجری اولاد

۱۲

و نماز زده اول باک
 فرض متفق علیه با
 اول باک اول باک
 اول باک اول باک
 اول باک اول باک

میکند در نصاب علیه الفتوی و در حدایه هو اصحیح و در
 نماز دوازده فرض متفق علیه است اول آب پاک
 دوم جامی پاک سوم جامه پاک چهارم وقت پنجم نیت
 ششم قبله هفتم تکبیر تحریمی هشتم قیام نهم قرائت کبر
 آیت رازیاسه آیت کوتاه دهم رکوع یازدهم
 سجود دوازدهم قعدۀ اخیر مقدار احتیاط
 خواندن تا عبده و رسوله ستر عورت نیز فرض
 متفق علیه است فرض خلافیه نخبست اول ترتیب
 دوم بیرون آمدن مصلی از نماز بفعل خودش سوم
 آرام گرفتن در رکوع و در سجود چهارم قومه پنجم جلسه
 نزد امام ابو یوسف امام شافعی حمدا الله و شرائط
 فرض شدن زکوٰة هفت است اول حسبت
 دوم بلاغت سوم عقل چهارم اسلام پنجم نصاب

فقیهان سیرایت در این
 قیام و نماز اول باک
 قیام و نماز اول باک
 قیام و نماز اول باک
 قیام و نماز اول باک
 قیام و نماز اول باک

عصا افند ز لا ریده وز کوٰة من
 بولاق شرط لازمی بتنی عدد اربعه
 اول در بعضی از ابو یوسف ایچجا
 بلاغت او و عقل تو ز پنجمی اسلام
 بیش پنجم نصاب از پنجمی اسلام

هشتم گذشتن سال هفتم غیر از قرض حساب
 نصاب بودن و نیت زکوة در وقت ادا نیاورد
 وقت جدا کردن فرض است و اگر در وقت زکوة بمصر
 فرض است و مصارف زکوة نیز هفت است اول
 فقیر دوم مسکین سوم عامل کوة چهارم مکاتب پنجم
 دیون ششم منقطع الغزاة هفتم ابن سبیل و در زکوة
 سه فرض است اول نیت دوم نا خوردن و نا آشامیدن
 سوم ترک جماع کردن از صبح صادق تا فرو رفتن شب
 علم فرض عین است اگر معلوم فرض عین باشد
 کسب نیز فرض است نزد حاجت و ضرورت
 فرض است بر عالم یا داون بر طالب فرض
 عینش را تا بوقتیکه قصد طالب و حفظ کند
 طالب و ضبط کند طالب و در طعام خوردن

این پنج چیز بر او تاق
 زکوة غنمه صاحب بولاق
 زکوة پیران یا جافان
 وقت در نیت نیامان
 فرض ایرو روز زکوة بی
 مصرف غیر بولاق فرض
 زکوة صرف زکوة بی
 بی عیب عیب و ایرو اول

فقیر بکسب مکاتب پنجم
 زکوة تور بکسب مکاتب پنجم
 این پنج منقطع الغزاة پنجم
 روز زکوة در اوج فرض است
 اول نیت پنجم بیس
 یک او و جمعی جماع نیامان
 صبح صادق درین ایام فرض
 علم فرض ایرو در اگر معلوم فرض
 عین بولسه و اعلم ان تعلم مسلم
 فرض عین و هوای تعلم بقدر حاجت
 بعین ایستاده و ما موصوله و الدین
 کان ایام و الحرام و الزکوة ان
 ان کان نجر و کل من اشتغل بشئ
 غیر فرض علیه علم تحریر من الحرم ۱۲
 لطفا دی آن غنمه فی اول
 یعنی تحقیق بیغیل کم علم او در کاف
 فرض عین تور درین او چون محتاج
 بولسان مقدار یکچون
 شامل بولور غنا زکوة
 و روز زکوة زکوة غنا
 مالی بولسه و زکوة بی
 مایه واجب بولسه و بی
 لار زکوة تجارت قیلور
 بولسه و بی کیشی بولسه
 مشغول بولسه فرض بولور
 اول کیشی اول بولسه
 و این هم از قبلی
 بولسان

چهار فرض است اول حلال خوردن نیر که
 پاکی حلق از اعظم فرائض است دوم رزق را
 از واجب تعالی دانستن سوم بقسمت احد تعالی
 راضی شدن چهارم معصیت نکن
 مادامیکه قوت طعام در وی است صحابه تابعین
 رضوان الله تعالی علیهم اجمعین اعتقادات حق را
 از کتاب و از سنت اخذ کردند عمل کردن بر
 فروض ایمان بر همه مسلمانان فرض عین است

احد تعالی مستحکم و موفق
 کناد آمین ورب
 العالمین

کسب ایمان هم فرض دور
 حاجت و عالم غیب یادیم مان فرض دور
 فرض نیک مالک شیاره تا فرض دور
 و حفظ وضو اینگونه طعام پاکه
 نوزت فرض بار اول حلال بیماک
 زیرا که حلق بی پاک یعنی فرض
 نوزد یعنی رزق از خدای تعالی
 بیجان او چو فرض است احد تعالی
 فرضی بولاق تو ربی طعام قوتی
 بیکر کناه قلیکما می صاحب و تابعین
 خشنود بولغان احد تعالی
 لا بدین اعتقاد حق کنی ربین
 و سنت دین اخذ قلیب عمل قلیقان
 دور لار فرض عین لار عه عمل قلیقان
 همه مسلمان لار فرض دور مستحکم
 و موفق قلیسون آمین ورب
 العالمین ملت فرض
 بین تو رب

اقتربت هذا الامام
 صلوة عن هذا الوقت
 اربع ركعات فرض
 تقضى نويت ان اصلي
 الله اكبر نيت نماز
 الكعبة فالصلاة تقال

من يفجرك اللهم اياك نعبد ولك نضلي ونسجد اليك نسبح
 ونزجو رحمتك ونخشى عذابك ان عذابك بالكفار ملحق

نيت جنازه

نيت كردم بگذارم چهار تکبیر صلوة جنازه را شن
 مر خدا ایراد در محمد مصطفی را تو اش را بخشیدم مرا این
 میت حاضر آمده روی آوردم بقبله قبله من جهت
 کعبه هستم اگر دم با هم حاضر تیبما خالصا صد تقا الله
 اکبر سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک اسمک و تعالی جده
 ولا اله غیرک الله اکبر اللهم صلی علی محمد و علی آل محمد کما
 صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید
 اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم
 و علی آل ابراهیم انک حمید مجید الله اکبر اللهم غفر لی و لی
 میتنا و شهادتنا و غائبنا و صغیرنا و کبیرنا و ذکرنا و انشاننا

نیت صلوة وتر
 رکعات صلوة
 کبر نیت رکعات صلوة
 علی نیت ان صلی نماز
 الودع نیت جبهه الی جبهه الی جبهه الی جبهه
 صد تقا الله اکبر نیت فرض نماز
 پیشین آنچه نیت ان صلی نماز
 رکعات تراجمه نیت ان صلی نماز
 و انقل بعد نیت ان صلی نماز
 خالصا صد تقا الله اکبر نیت
 عبدا و مضاف نیت ان صلی
 انشی رکعتی صلوة غیره انظر

اکبر نیت ان صلی نماز
 الودع نیت جبهه الی جبهه الی جبهه الی جبهه
 صد تقا الله اکبر نیت فرض نماز
 پیشین آنچه نیت ان صلی نماز
 رکعات تراجمه نیت ان صلی نماز
 و انقل بعد نیت ان صلی نماز
 خالصا صد تقا الله اکبر نیت
 عبدا و مضاف نیت ان صلی
 انشی رکعتی صلوة غیره انظر

ان صلی انشی رکعتی صلوة
 الی جبهه الی جبهه الی جبهه الی جبهه
 نیت جبهه الی جبهه الی جبهه الی جبهه
 هذا الامام خالصا صد تقا الله
 اکبر نیت ان صلی نماز
 الودع نیت جبهه الی جبهه الی جبهه الی جبهه
 صد تقا الله اکبر نیت فرض نماز
 پیشین آنچه نیت ان صلی نماز
 رکعات تراجمه نیت ان صلی نماز
 و انقل بعد نیت ان صلی نماز
 خالصا صد تقا الله اکبر نیت
 عبدا و مضاف نیت ان صلی
 انشی رکعتی صلوة غیره انظر

الله و شهيدان محمد اعبدده ورسوله دوم پنجوقت نماز
 گذاريدن است سوم روزه ماه شريف رمضان شستن
 است چهارم زكوة مال اوان است پنجم طواف خانه كعبه
 كردن است هر كرا قدرت و توانايي باشد مرزاد و اوله
 الميثاق هو العمد الموثوق الخطاب آن بود كه در آن
 زمانيكه حضرت سبحانه و تعالى ارواحي ما را
 بقدرت خویش پيدا كردانيد از پروردگار عالم ندا
 آمد كه است بر بكم يعني آيا نيست من پروردگار شمايان
 ارواحي ما كفتند بلي يعني هستي تو پروردگار مايان
 و بگله جهانيان خالق كل شئ و رازق كل حي لفعيل
 الله ما يشاء و حكيم ما يريه اصول دين هفت است اول تعظيم
 يعني خداي تعالى را يكي دانستن و يكي عققاد كردن دوم
 عدل يعني بخود راست بودن سوم امامت يعني كار

جب قولی آورده بود تعظیماً
 دعا از قوی دور اللهم تعظیماً
 کتابتالی و الامن و اراظری و الا
 ولا تخاف منی حباً بشدی
 باشی غیر حق تا رزده بود دعا از قوی دور
 اللهم حم شعراً سی و شتر علی طویل
 و کلینی تحت کمال عرشک یوم الام
 الا کل عرشک قولاً قلا ریغیر
 تا رزده بود دعا اللهم حبیبی
 من الدین یتمعون فی لیون حسن

۱۳

بوی پیغمبر تا رزده بود دعا اللهم عقیق
 و الا غداً یا یق یور دیو دعاهم عقیق
 شیت قدمی علی الصراط یوم التفت
 الا قدم اللهم حبیبی من الدین
 من استظلمین و حبیبی من عبادک الصالحین
 و حبیبی من الدین الا خوف عظیم و لا اتم
 ان لا اله الا انت و عدک لا شریک
 در سوگند

آخرت از کار دنیا مقدم داشتن چهارم نبوت یعنی
تمامی پیغمبران ما تقدم را بر حق داشتن پنجم هر معروف
یعنی آنچه خدایتعالی امر کرده است بجای آوردن ششم
منی منکر یعنی آنچه خدایتعالی منی کرده است خود را باز داشتن
هفتم تو لا است یعنی دوستان خدایتعالی را دوست
داشتن هشتم تبر است یعنی دشمنان خدایتعالی را
دشمن داشتن و داشتن وحدت لازم است هر
مسلمانان از جمله ضروریات دینی و وحدت در
خالقیت وحدت در معبودیت وحدت در وجوب وجود
وحدت در خالقیت آنست که خدایتعالی خلق کنند
و پیدا کنند همه عالم است غیر از او خالق دیگر نمیشناسد
وحدت در معبودیت آنست که خدایتعالی مستحق
عبادت و لایق عبادت و سزاوار عبادت است

غیر از او سزاوار پرستش نیست و حدت در وجود
 الوجود آنست که خدای تعالی واجب الوجود است و
 از ذات اوست غیر از او بی‌صفت نیست

ده یار هشتی اند طبعی میدان	بو بکر و عمر علی و عثمان
سعادت سید بو عبیده	طلحه است ز زبیر عبد الرحمن

از واج مظهرات

نه جفت نبر که پاک و ندمه	بند عایشه و خدیجه محبت سه
با ام حبیبه جفیه بود و نین	میمونه و صفیه سوده ام سلمه

ای برادر از مسایل قبل فضا یا دوار نه تا بهشت عدن
 یابی اندران روز شمار نه هفت ایمان پنج سلام و
 دوشش اندر نماز نه غسل و در وضو و در تمجید چار
 دوی دیگر هر معروف است نه منکر است نه بعد از آن
 حیض و نفاس علم ای صدر کبار نه

در بیان
 نسب نامه از حضرت صلی الله علیه و آله
 بانظر تفرقه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
 علیه السلام بن عبد الله بن عبد مناف
 المطلب بن کلاب بن مره بن عبد مناف
 بن قصی بن کلاب بن مره بن عبد مناف
 در بیان نسب صحابه بن عباس
 حضرت ابو بکر صدیق بن عثمان
 عامر بن کعب بن اشرف بن عمر بن خطاب
 بن نفیل بن عبد العزیز بن براج
 بن عبد الله بن زرار بن
 عدی بن کعب ۱۲ حضرت عثمان
 بن عفان بن ابوالعباس بن عبد
 انیس بن کعب ۱۲ حضرت علی
 بن ابی طالب ۱۲ حضرت علی
 بن ابی طالب ۱۲ حضرت علی
 بن ابی طالب ۱۲ حضرت علی
 بن ابی طالب ۱۲ حضرت علی
 بن ابی طالب ۱۲ حضرت علی

في الاقامة فانه ينسب من
 في الاقامة فانه ينسب من
 في الاقامة فانه ينسب من
 في الاقامة فانه ينسب من
 في الاقامة فانه ينسب من
 في الاقامة فانه ينسب من
 في الاقامة فانه ينسب من
 في الاقامة فانه ينسب من

خلفاء راشدين يازوه ست اول حضرت ابو بكر صدق
 رضى الله عنه دوم حضرت عمر رضى الله عنه سوم حضرت
 عثمان رضى الله عنه چهارم حضرت علي كرم الله وجهه
 پنجم عبد الله بن جابر رضى الله عنه ششم عبد الله بن عباس
 رضى الله عنه هفتم عبد الله بن مسعود رضى الله عنه هشتم
 زيد بن ثابت رضى الله عنه نهم عايشة صديقه رضى
 عنها دهم ابو موسى اشعري رضى الله عنه يازدهم معاوية
 بن جبل رضى الله عنه وعامى بعد از اذان اين است
 اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلوة القائمة ات محمد
 الوسيطة و الفضيلة و الدرجة الرفيعة و البعثة مقام محمود
 و عدته و ارزقنا شفاعة يوم القيامة انك تتخلف اليه
 برحمتك يا ارحم الراحمين دعامى بعد از نماز اللهم
 تقبل منا صلواتنا و صيامنا و قيامنا و قرأتنا و ذكرنا

شيخ ادوارد
 الموصوفون صد تقالى
 و عن عمر رضى الله
 عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه
 وسلم اذا قال المؤمن ان الله اكبر
 الله اكبر فقال احكم الله اكبر
 الله اكبر فقال اشهد ان لا اله الا الله
 الله اكبر فقال اشهد ان لا اله الا الله
 الله اكبر فقال اشهد ان محمد رسول الله
 الله اكبر فقال اشهد ان محمد رسول الله
 الله اكبر فقال اشهد ان لا اله الا الله

الالباء بعد على الاقامة
 افضل قال لاجل الاقامة الالباء
 على العظيم ثم قال اشهد ان لا اله الا الله
 قال اشهد ان لا اله الا الله من قلبه
 الا الله قال لاجل الاقامة الالباء
 وقل بخته واه رسول الله صلى الله عليه
 و سلم من قال بين يديك و
 اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلوة القائمة ات محمد
 الوسيطة و الفضيلة و الدرجة الرفيعة و البعثة مقام محمود
 و عدته و ارزقنا شفاعة يوم القيامة انك تتخلف اليه
 برحمتك يا ارحم الراحمين دعامى بعد از نماز اللهم
 تقبل منا صلواتنا و صيامنا و قيامنا و قرأتنا و ذكرنا

يوم القيامة حلت فقلت
 الاقامة رواه البخاري
 الاقامة رواه البخاري
 الاقامة رواه البخاري
 الاقامة رواه البخاري

وَجُودَنَا وَفُؤَادَنَا وَتَيْمَانَنَا وَتَهْلِيلَنَا وَتَحْشُنَنَا وَتَضْرُعَنَا
 اللَّهُمَّ تَمِّمْ تَقْصِيرَنَا وَقَبَّلْ تَمَانَنَا وَاسْتَجِبْ دُعَانَا وَغْفِرْ
 أَحْيَانَنَا وَارْحَمْ مَوْتَانَا يَا مَوْلَانَا اللَّهُمَّ احْفَظْنَا يَا قَائِمُنَا
 مِنْ جَمِيعِ اِهْلِيَاءِ وَالْاَمْرَاضِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذِهِ الصَّلَاةَ
 الْمَفْرُوضَةَ مَعَ شَرِّهَا مَعَ جَمِيعِ نَقْصَانَاتِهَا بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ
 لِاتِّقْرِيبِهَا وَجُوبِهَا يَا آلَ الْعَالَمِينَ وَيَا خَيْرَ اَنْبِيَاءِ
 النَّبِيِّينَ تَوْفَّقْنَا مُسْلِمِينَ وَارْحَمْنَا بِالصَّالِحِينَ صَلِّ عَلَى
 عَلِيِّ خَيْرِ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحَابِهِ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

۱۷

العالمين

ط لقيت زیارت اہل قبو اول در خانہ خود دو رکعت
 نماز بکند ارد بر رکعت اول یکبار سورہ فاتحہ و سہ بار
 سُوَ اَخْلَاصِ بخواند و در رکعت دوم نیز ہمچنین بخواند
 ثواب اور ابرو ح پرفوح آن بزرگوار بخشد بعد

از ان در راه سخن با لایعنی مشغول نشود بعد از ان
 رو بروی اهل قبر پشت بقبله استاده بگوید
 علیکم یا اهل القبور اغفیرا مد لنا وکم انتم لنا سلف وکن
 بالاثر للاحقون بعد از ان آیه اکرسی اتانم فینب
 خالدون بخواند بعده ید ما فی السموات و ما فی الارض
 تا فانظرنا علی القوم الکافرین بخواند بعده یکبار از ان
 زلزلت یکبار سورة التکاثر بخواند و ده بار سورة
 الاخلاص ده بار صلوة بروح پاک آنحضرت صلی الله
 علیه و آله وسلم بفرستد اگر تواند سورة یس
 و سورة تبارک نیز بخواند ثواب آنرا بروح اهل قبور
 بخشیده و مدد و اعانت از ارواح ایشان طلبند



دعای اسم عظیم

مخفی قالسؤ که اسم عظیم قسمی کلمات ایکننده است

مختلف در شول سید بن مروی بولغانلار نه همسین
 جمع ای تیپ با زیلیدیشدورتا که همه وایت لار غه مو فوق
 بولوب او قولغای سم عظم بو محبوب عیدین خالی ای پند
 مجموع بول ترور سبم اهد الرحمن الرحیم اللهم انی اسألك
 بان لك الحمد لا اله الا انت لحنان اسمنان یا حنان
 یا منان یا باریع اسموت و الارض یا ذلجلال الاکرام
 یا حی یا قیوم و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آل محمد
 و اقص حاجتی برمتکی یا رحم الرحیم لا اله الا انت
 سبحانک انک انت من انظالمین اللهم انی اسألك
 بانی اشهد انک انت الله لا اله الا الاحد الصمد الازی
 لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد الم الله لا اله الا
 هو لم یحی القیوم و الهمکم آله و احد لا اله الا هو الرحمن الرحیم
 یا ذلجلال الاکرام یا ارحم الرحمن اللهم انی اسألك

بأنك انت الله لا اله الا انت الواحد الاحد
الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
الا احد وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو
شئ قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
اللهم اني اسئلك باسمك الاعز الاكرم الاجل باب
يارب يارب يارب لا اله الا احد وحده لا شريك
له له الملك وله الحمد وهو على كل شئ قدير لا اله الا احد
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم لا اله الا احد
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شئ قدير
وسبحان الله وبحمده ولا اله الا احد واحد
كبير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
ههنا زكية امام پرله او قوسه او شبنونيت كفا قيل
نُؤيْتُ اَنْ اُصَلِّيَ مَعَ اِمَامٍ مَا يُصَلِّيهِ اِمَامٌ مَعْتَبَرٌ

بسم الله الرحمن الرحيم		
بعد حمد ثنا و ملح خدا	نعت پیغمبر لیل و صدا	بشنو اینچند میت تا کردی
مطلع بر تو اعدت قرآ	نون نون نون ساکن ا	چنان حالت با حرف بیجا
اول دعاء دوین اظلم	سویں قلب چارین خفا	ہر حرف بیرون از نما
غنہ در او ایم نون بابا	ہر شش حرف و حرف حاطا	حرف قلبت با جو انبتنا
در حرف بقیہ انخاساز	کہ شود غنہ ہم در و پیدا	لام اعد را بکن تفخیم
فتح و ضم قبل او کردنا	ور بود کسر و تیز زان لام	چون قل اند بکن بر قیودا
را جو مفتوح کشت مضموم	سنا تفخیم تارہی ز خطا	راء مکسور ابکن ترفیق
چونکہ ساکن شود نظر بکشا	پس کہ قبل کہ بود مفتوح	یا کہ مضموم ہجو مسابا
سنا تفخیم و ر بود مکسور	غیر ترفیق نیست حج روا	مگر آندم کہ بعد از و آید
یکی از حرفهای استعلا	ہجو قرطاس فرقتہ مرصا	شد بفرق و قول ز علما
یا کہ آن کسرہ عارضی باشد	مثل ارجح و ما یضاہیا	یا بود کسرہ در در کلمہ
مثل با رجوع خند ہذا	کہ تفخیم اندرین بحال	کرد اجماع جملہ فضلا
فست و او یا، الف	ہجو یوی ہبا و او دینا	ہمزہ چون بعد حرف آ
الف بلجن خطا	چون شود حرف قلقلہ ساکن	جذبشی و ملی بحسن ادا
و طبع حرف و قلقلہ دن	ہر قطف خصص فضیلت استعلا	ور بود قبل بعد ہا ضمیر

جذبشی

مخرک چونونه، منها
 و یکی از حروف بوف آید
 مثل کنتم بها و هم فیها
 تا، تا، نیت را این ادغام
 شد در حرف لام هم در را
 جیم مرز جواز وقف آمد
 رمز لا وقف بهنا شد لا
 قاف مشعر بضعف و قف بود
 وقفه سین سکوت اهرجه
 کاف در حکم سابق است قلا
 وقف ان حکم آیه تنها
 لیک چون لا بآیه جمع شود
 متفق ثبت کن بهره یا
 و نامیکه مختلف باشند
 آب خبث به بصریان املا
 لیک مخصوص آیه کوفت
 کن کمی ز آیه شامی شنا

و او حاصل کن رضمه او
 از این مهم ساکن ای انا
 ذال زوال ظا شود مدغم
 در دو حرف مذکر در ط
 میم را مرز وقف لازم دان
 زمی تجویز وقف کرده ندا
 قف وصل مرز وقف وصل بود
 در صلی وصل اشما اولی
 رخصت بوقف ضیق
 جانب قف او بود اتو
 چون شود هم بآیه مرز در
 هست در مضطر او وقف او
 یا سرعین لیک در هم رس
 یا و مارا می کنیم املا
 ط بشارت بآیه بصریت
 شده در عرف زمره فضلا
 یازده سوره است قرآن

و ر بود کسره یا شود
 میسل ده میم را بجا
 دال در دال تخمین
 لام قبل مجهول املا
 ط با با وقف مطلق
 بس بود وصل اندر او
 نزد بعضی زهم میزند
 موجب قف و تنفس
 وقف احرف صادی
 و جدرای سوی وقف
 حکم آن مرز میکند
 چون شوند اهل بهره
 یا نویسی کرین اهل
 بهره کوفی بود بهره
 لب نقیض ویت در مع
 مدثنانی ز آیه مدنی
 که در وصل جمله است او

سورة الحاقة علق فاطر	كهف انعام انبياء سبا	فاتحه قارعه قمر رحمن
عجس تنبث ويل واولا	بينه باقال لهيكم	در نبره ديگر است قطع سزا
عنن فوفان نجم وشفقت	علق حج وليك در اولي	سجد در عدد نخل سبحان
جمله واجب بکفته فقها	باز در سجدتين ليک شمار	صاد اعراف سابق طه
تا شود مستفيد از اين آيت	بعنايات حضرت مولی	به عبد الرؤف کردم نظم

حق رساند بمقصدي اقصی

سامح حرف شکار و نهان	بعد محمد مری و ده جهان	بسم الله الرحمن الرحيم
کوش کن بیاری توفیق	بر روان رسول بايران	وز بی لغت بیحد صلوات
آنچه جمجمه زفته اند بران	در مخارج خلاف بسیار	مخرج حرفها کنیم بیان
همزه فتحه دار را آور ۲	تا شش خروج حرف از آن	شازده مخربت کنوهای
ماقی ابدین قیاس بدان	چون اسخ ال اوای	بر سر حرف ساکنه و بچوان
الف با همزه از قهصی است	اول اوسط نهایت آن	هفت حرف در مخربت بخلق
زا اول حلق میشوند بدان	غیر خائیکه صاحب نقطه اند	عین جازمیان که عیان
مخرج فم ده است هر حرف	بد که قول از هوای مان	نزد بعضی الف زجوف بود
لیک جمله است بر از ان	مخرج کاف نیز چون فسح	تاف از منتهای کام زبان
غصمه اول لهات بود	لنوی هر دو دست هم زنک	غصمه فی کاف شد عکدی
وسط کام را بیان رسان	مخرج حیم شین یا یقین	عکده آخرش سومی مان

از کنار زبان کنج دها
 یک از سوی جب و است
 مخرج نون سر زبان آمد
 یک با آن کی زشت زبان
 مخرج ط و دال تا شده است
 سر سنان پیش علوم کان
 از کنار نیتین و ز فوق
 دان لق تیزی زبان اینجا
 سر دندان با وجود ضم باید
 میم تنوین نون از اینجا خوان
 مجلا ذکر نام دندانها
 برضو احک و کوطو چون دن
 هر یکی نام چهار دندان است
 دو زبرد و تیره بقیه جهان
 آنچه بل بیت رانده تا رنج
 نمی ازیم رحمت رحمن

و ز طو چون ادای ضد و تون
 از کنار زبان آخر کام
 با عدیل است بین است
 لام بانون ابودثومی
 بیخ دندان پیش از آن است
 صابا زاوسین ولی باید
 و از زلق اندکی بر و ترازا
 چهار حرف و مخرج است
 و او با میم و باز وسط لب
 چونکه ساکن بوند با خفا
 میخام نبصرت رحمن
 چهار دیگر نواجرش نام است
 جز طو چون که چهار است
 بعد اینها بلب است
 در بیان مخارج ای یاران
 ربنا غفر لنا خطایانا
 تمت بعون الله کریم

از سوی است زبان
 حرف لام است الف و ی و نون
 مخرج را چون مخرج نون است
 لثه لحمیت در بن دندان
 بود از تیزی زبان دیگر
 که بمافی تو فرجه بمیان
 ذال انطاها برون آمد
 فاست از داخل لب میان
 مخرج آخرین دماغ بود
 مثل ان جا کم و یوم کمان
 چون شایا رباعیت اینها
 یک نبود بعضی از آن
 دان شایا چهار شین
 کرده اصراس مثل است
 زاهدت شنبه میهم
 انک الملت کما و المنان

